

آخرین مأموریت آقای رئیس‌جمهور

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی (ره)، در سه سال ریاست جمهوری، برای خدمت به ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، شب از روز نمی‌شناخت. پایان مأموریت ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، آغاز مأموریت الهام‌بخشی او، از جایگاه خدمتگزاری فدایی و پاک‌باخته است. اکنون ملت ما همدل‌تر از همیشه شده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد ایمانی در یادداشتی نوشت:

(۱) اگر به اراده هر کدام ما باشد، دوست داریم خدمتگزاران مخلص، تا ابد باشند. در تلاطم روزگار، پشت مردم به خدمتگزاران بی‌ادعا گرم است. در مقابل، فقدان چنین خدمتگزارانی، مصیبت بزرگی است؛ نه فقط برای عامه مردم، بلکه برای اولیای الهی. چنان که امیر مؤمنان (ع)، پس از دریافت خبر شهادت مالک اشتر فرمود: «مالک، و چه بود مالک! به خدا سوگند، اگر کوه بود، کوهی بی‌همتا و سرافراز بود و اگر صخره‌ای بود، صخره‌ای سخت بود که سَم هیچ ستوری، آن را نم‌سود و هیچ پرنده‌ای به اوجش نتوانست پرید. به خدا سوگند مرگ تو، جهانی را تکان داد و عالم دیگری را خوشحال کرد. گریه کنندگان برای مثل مالک باید گریه کنند. آیا کسی که مثل مالک مورد امید باشد، پیدا می‌شود؟».

(۲) روزی که امام حسین (ع) به خاطر ستم‌های وارده بر برادر و مولایش می‌گریست، امام حسن (ع) دلداری داد و فرمود: «لا یوم کیومک یا اباعبدالله؛ هیچ روزی مثل روز (شهادت) تو نیست». بنابراین، باید به زینب کبری (ع) حق داد که شب عاشورا، هنگامی که از ماجرای فردا - و آنچه قرار بود بر مولا و همراهانش بگذرد - خبردار شد، بی‌طاقت شود و بگرید و بیهوش شود. اما امام حسین (ع) در همان موقعیت بسیار دشوار فرمود: «یا أُخِیةُ لَا یَذْهَبَنَّ یَحِیْمَکَ الشَّیْطَانُ. خواهر عزیزم! مبادا شیطان، شکیبایات را برباید».

(۳) شیطان، دزد شکیبایی است، همان گونه که ساقی باده سرمستی و غرور و غفلت در پیروزی‌هاست. به همین علت هم هست که امام صادق علیه‌السلام، در بیان هشت علامت مؤمن، از جمله فرمود: «وَقَوْرٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ، صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ. با وقار بهنگام آشفتگی‌ها، بردبار هنگام بلاها و آزمایش‌ها، شکرگزار به وقت آسایش». غلبان عواطف، اقتضای طبیعت است؛ اما اگر جامعه‌ای توانست بر سر مستی‌ها و سرخوردگی‌های جاری در زندگی بشر معمولی چیره شود، حتماً به قله‌های سعادت و پیشرفت، با همه گردنه‌های پر خطرش خواهد رسید.

(۴) آن روز که با نگرانی و دستپاچگی و درماندگی خواستند خبر مهیب سقوط خرمشهر در مقابل ارتش جنایتکار صدام را به امام (ره) بدهند، ایشان در حال اقامه نماز بود. وقتی نماز تمام شد و خبر را دادند، امام یک جمله بیشتر نگفت: «جنگ است دیگر». همین یک جمله را گفت و دوباره قامت بست: «الله اکبر!» مدتی بعد هم که خبر شورانگیز فتح خرمشهر را به ایشان دادند، با وقار تمام فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». همچنین، در آغاز آن جنگ مهیب و نابرابر که ارتش صدام در حال پیشروی بود و همه نگران بودند، امام فرمود «دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته و رفته. نگران نباشید». و ملت ما به چشم دید که عاقبت کار با صابران و پرهیزگاران است.

(۵) ملت ما آن سال‌ها، تازه انقلاب کرده و گرفتار جنگ تحمیلی هم شده بود. بنابراین، رویداد تکان دهنده و زلزله‌واری بود که علاوه بر بحران جنگ و غائله افکنی گروهک‌ها، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و ده‌ها وزیر و نماینده مجلس و رئیس دستگاه قضائی ظرف دو ماه در دو عملیات تروریستی، به دست سازمان جنایتکار منافقین ترور شوند. یک ملت معمولی با هر یک از این بحران‌ها از هم می‌پاشید و تسلیم دشمنانش می‌شد، اما ملت ما به برکت همدلی و وحدت برآمده از ولایت‌پذیری، خم به ابرو نیاورد و پای در مرحله تازه‌ای از موفقیت گذاشت. شهیدان رجایی و باهنر در حالی که چند ماه از شروع خدمت‌شان نمی‌گذشت، مظلومانه ترور شدند و غم شهادت آنها به مصیبت ترور آیت‌الله بهشتی و ۷۰ هم‌زمش علاوه شد. اما حضرت امام در همان موقعیت دشوار، با کلامی امیدبخش، ملت را آرام کردند و از آن عقبه بزرگ عبور دادند: «اگر رجایی و باهنر نیستند، خدا هست».

(۶) اگر به اراده هر کدام ما باشد، دوست داریم خدمتگزاران مخلص، تا ابد باشند. اما مشیت الهی در اوج رفت و رحمت و حکمت، جز این است. فراز و نشیب‌های روزگار، سنت جاری در زندگی بشر برای رشد مؤمنان اهل یقین است. مرگ، سنت قطعی جاری در زندگی انسان‌هاست و هنگامی که اجل محتوم فرا رسید، لحظه‌ای تعجیل و تاخیر نمی‌افتد. چند ساعت قبل از شهادت شهید سلیمانی در بغداد، هم‌زمانش در سوریه به او می‌گویند «حاجی اوضاع عراق خوب نیست، فعلاً عراق نروید!». لب‌خند می‌زند و می‌گوید «می‌ترسین شهید بشم؟!». سر گفت‌وگو باز می‌شود. هر کس نکته‌ای می‌گوید... دوباره سکوت می‌شود. حاج قاسم آرام و شمرده می‌گوید «میوه وقتی می‌رسد، باغبان باید بچیندش، میوه رسیده اگر روی درخت بمونه پوسیده می‌شود و خودش می‌فته». سپس، به بعضی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینم رسیده، اینم رسیده‌ست».

(۷) همه انسان‌ها بهنگام سرآمدن اجل، تسلیم مرگ می‌شوند و به پایان می‌رسند. اما آنها که شهیدانه زیسته‌اند، باید پاداش خود را بگیرند و آخرین مأموریت را هم به انجام برسانند. این تعبیر از امیر مؤمنان (ع) در اوصاف پارسایان است که فرمود: «أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ یُیْدُوا، وَأَسْرَتْهُمْ فَقَدُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا. دنیا اراده آنها را کرد، اما آنها دنیا را نخواستند؛ و اسیرشان کرد، و آنان برای رها شدن، خود را فدیة دادند و فدا کردند». فدیة دادن برای رهایی از اسارت جهنم دنیا، کمترین مرتبه شهادت است؛ اما مرتبه بالاتر آنجاست که شهادت خوبان، خون بیداری و شرافت و حیات طیبیه را در رگ‌های مردم به حرکت در می‌آورد، زنگارها را از قلب‌ها می‌زداید، و آغاز گر حرکتی تازه می‌شود. ملت ایران و جمهوری اسلامی در این ۴۵ سال، بی‌وقفه، و نو به نو، شهید پرورش داده و تقدیم راه عدالت و فضیلت کرده است. معنای این رویداد بی‌وقفه، آن است که دولت/ ملت ایران اسلامی، زنده و پویاست، و

اجاقش، فروزان. بقا و پیشرفت ملت تمدن‌ساز، با همین شهادت‌ها تضمین می‌شود.

۸) آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی (ره)، در سه سال ریاست جمهوری، برای خدمت به ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، شب از روز نمی‌شناخت. او آخرین بار، در حالی که به تازگی از سفر به مازندران و دیدار با مردم بازگشته بود، به مرز جمهوری آذربایجان رفت، تا در شرایطی که دشمنان دو ملت نفاق افکنی می‌کنند، سدّ قیز قلعه سی را به نشانه آبادانی منطقه و دوستی دو ملت افتتاح کند و سپس برای بهره‌برداری از چند طرح به تبریز برگردد. رئیس‌جمهور مردمی، و پر کار ما در این سال‌ها، در حالی که حتی روز تعطیل برای او معنا نداشت، در کنار جلسات فشرده و طاقت فرسا، یا به میان مردم در استان‌های مختلف رفت تا از نزدیک، از دل مشغولی‌های آنان مطلع شود؛ یا در کشورها و نشست‌های بین‌المللی مختلف حضور یافت، تا ضمن گسترش دامنه دیپلماسی جمهوری اسلامی، پیام‌رسان ملت ایران باشد. سید ابراهیم رئیسی، برای خدمت، سر از پا نشناخت و عمیقاً در قلب مردم جا گرفت. به همین علت هم بود که از بعد از ظهر روز یکشنبه که خبر سانحه برای بالگرد حامل ایشان منتشر شد، مردم در نقاط مختلف کشور دور هم جمع شدند، دعای توسل خواندند و برای سلامتی او دست به دعا برداشتند. کجای دنیا می‌توان چنین پیوند عاطفی عمیقی را میان یک ملت و دولتمردانش پیدا کرد.

۹) صداقت و اخلاص، چشمه جوشانی است که آن به آن، زندگی می‌آفریند. آن دو سفری که سید ابراهیم رئیسی، در مجمع عمومی سازمان ملل، قرآن حکیم و تصویر سردار سلیمانی را بالای دست گرفت، بر این آیت الهی شهادت داد که پای پیمان الهی ایستاده است: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا». رئیس‌جمهور خستگی ناپذیر ما، از برخی سیاست‌بازان غافل و دشمنان دانا، طعنه و دشنام بسیار شنید و تخریب و ترور شخصیت بسیار دید، اما این طعنه‌ها و یا ناسپاسی برخی خواص، او را از هدف متعالی خدمت به مردم و نظام باز نداشت. امروز، همه از جناح‌های مختلف، بر بزرگی شخصیت او شهادت می‌دهند. او با سخت کوشی، اخلاص و تواضع، ساده زیستی و غمخواری مردم، و خدمتگزاری بدون تعطیلی، تراز بالایی از مدیریت و سیاست در مکتب اسلامی را به نمایش گذاشته و انتظارات مردم را به حق ارتقا داده است. مکتب مدیریتی رئیسی، ادامه مکتب سلیمانی است. او هم مانند شهید رجایی، دوران ریاست جمهوری‌اش به پایان نرسید، اما در این دوران کوتاه، فرهنگ تلاش و مجاهدت و صبر و تحمل و زخم زبان شنیدن و بزرگواری گذشتن را به نمایش گذاشت.

۱۰) دستاوردهای آیت‌الله شهید رئیسی در این سه سال دشوار، از اقتصاد و مدیریت تا فرهنگ‌سازی و پر کردن شکاف دولت و ملت، هر کدام جای بررسی جداگانه را دارد. او، رئیس‌جمهور تراز و مدیر پر کار و کم ادعایی بود که با همه مشکلات، هرگز نگفت اختیارات ما کم است و طلبکار مردم و نظام نشد. سینه‌اش صندوقچه اسرار بود، اما هرگز علیه رقیبان یا حتی عناصر کینه توز سیاسی بهره نگرفت. مظلوم واقع شد، اما با نجابت عبور کرد؛ چون احساس می‌کرد زمان خدمت بسیار کوتاه است و این امانت مغتنم را نمی‌شود صرف فرو نشاندن هیجان‌ها کرد. سید ابراهیم رئیسی، وصیت امیرمؤمنان(ع) به ابن عباس را به جان خریده بود که فرمود: «فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نِلْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بَلُوغٌ لِّذِهِ أَوْ شِفَاءٌ غَیْظٍ... نباید برترین چیزی که در نفس خود از دنیایت به آن می‌رسی، دستیابی به لذتی، یا فرونشاندن آتش خشمی باشد، بلکه باید خاموش کردن آتش باطل، یا زنده کردن حقی باشد» (نامه ۶۶ نهج‌البلاغه).

۱۱) درباره کارنامه مدیریتی رئیس‌جمهور شهید در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک و فرهنگی باید در مجال دیگری نوشت. اجمالاً این که رئیسی در شرایطی بسیار دشوار، با آبروی خود خطر کرد و پا در میدان خدمتی گذاشت که در اثر برخی سوء مدیریت‌ها، به یک میدان مین کامل و ترکیبی تبدیل شده بود؛ میدان مینی که مدیر کانال معاند و امنیتی آمدنیوز قبل از بازداشت و انتقالش به ایران درباره آن گفته بود: «ما در انتخابات ۹۶ تحلیل داشتیم. این جور نبود که راه بیفتیم و بگوییم اصلاح‌طلبیم، یا عاشق [...] هستیم. مجموعه ما، تحلیل امنیتی داشت. آیا اگر رئیسی یا قالیباف سر کار بود، این مشکلاتی که در کشور وجود دارد، الان بود؟ این تظاهراتی که ایجاد شد، آیا بود؟ کشور باید به نقطه جوش می‌رسید و اگر آدمی مثل رئیسی سر کار می‌آمد، کار به نقطه جوش نمی‌رسید». آقای رئیسی در حالی توانست این میدان مین ترکیبی را متر به متر خنثی و برای پیشرفت آماده کند، که خزانه خالی دولت با کسری ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی، بدهی ۱۵۰۰ هزار میلیاردی و تعهدات انباشته دست به‌گriبان بود و دولتمردان وقت، در مرداد ۱۴۰۰ به او گزارش می‌دادند دولت قادر نیست حقوق سر ماه کارمندان خود را بپردازد. کمترین کار رئیسی، اهتمام به مهار این کسری‌های کمرشکن بود. او با اخلاص و صداقتش، بر سیاست بازی و پمپاژ دو قطبی‌سازی از درون دستگاه اجرائی و فرسایش روح و روان مردم نقطه پایان گذاشت، هر چند که خود آزار فراوان دید. یکی از مهم‌ترین برکات حیات مدیریتی آیت‌الله شهید سید ابراهیم رئیسی، احیای واقعی امید در اقشار مختلف جامعه است و همین، دشمنی کینه‌توزانه مستکبران جهان و دنباله‌روهای آنها را برانگیخت. حالا او یک شاخص تراز در سیاست داخلی و بین‌المللی است. پایان ماموریت ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، آغاز ماموریت الهام‌بخشی او، از جایگاه خدمتگزاری فدایی و پاک‌باخته است. اکنون ملت ما همدل‌تر از همیشه شده است.

رضوان خدا بر او و همراهان شهیدش. طوبی لهم و حسن مآب.